



مدیون خانم آقایی هستیم!

نشست با دکتر رضوان حکیم‌زاده در زمینه‌ی فعالیت‌های معاون آموزش ابتدایی

خانم دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، سه سال است در این سمت فعالیت دارد. وی دانش آموخته‌ی دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارزمی تهران است.

دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های دانش‌کده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است و در سوابق کاری خود تدریس در دوره‌های ابتدایی و متوسطه را نیز دارد. با کارنامه‌ای خوب، داوری پایان‌نامه‌ها و آشنایی با مشاوره‌ی تحصیلی، در کسوت کارشناس مسئولی مرکز مشاوره‌ی دانشگاه تهران، با مسئولیت خود در معاونت آموزش ابتدایی بسیار آشناست. به همین منظور، در ارتباط با اهداف و وظایف این معاونت با او گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه آن را می‌خوانید.

کسی که در این دوره صاحب‌نظر است، در زمینه‌ی تحرک بخشیدن به این دوره چه ایده‌ها و فعالیت‌هایی داشته و دارید؟

همان‌گونه که در سند تحول آمده است، نگاه به دوره‌ی ابتدایی باید تخصصی باشد. این نگاه با علم آموزشی و پرورشی و به کمک علوم مرتبط تحلیل و سیاست‌گذاری می‌شود.

بنابراین، رویکرد ما با اقتضات کودکی دانش‌آموز متناسب است. امروزه یکی از چالش‌های جامعه‌ی ما غفلت از این نگاه تخصص‌مدارانه است. گاهی دیده می‌شود بزرگ‌سالان هم در برنامه‌های خود از این دیدگاه غفلت می‌کنند.

پس ما با تکیه بر مباحث تربیت اسلامی، باید در برنامه‌های خود بازنگری و به‌روزروی کنیم. کودکان در این سن از طریق دست‌ورزی، فعالیت عملی، بازی، هنر و ادبیات، به یادگیری پایدار می‌رسند. بنابراین، اگر در فضایی انتزاعی سعی کنیم با حافظه‌محوری در کودک یادگیری ایجاد کنیم، توفیقی نخواهیم داشت. ما سعی کرده‌ایم در طرح عید و داستان، به جای تکالیف نوروزی، از بستر مناسب قصه‌گویی، خلاقیت دانش‌آموزان را برانگیزیم و آن را جایگزین مشق شب کنیم.

در راهکار ۳-۱۷ سند تحول نیز موضوع به‌روزروی روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال، خلاق و نقش‌الگویی آموزگار آمده است. ما تقویت مهارت‌ها را در نظر داریم. حتی مهارت نوشتن را هم در نظر داریم. کودکان ما گاهی درس‌ها را رونویسی می‌کنند، اما در نوشتن مهارت پیدا نمی‌کنند. به همین ترتیب دنبال این هستیم که در فرصت‌های یادگیری خارج از مدرسه، مهارت‌های ذکر شده را تقویت کنیم.

تکالیف مهارت‌محور می‌گوید آنچه را دانش‌آموز در مسیر دبستان می‌بیند، یادداشت کند و احساس خود را در مورد هر پدیده بنویسد. سال‌هاست روخوانی می‌کنیم، اما مهارت مهم درک مطلب

● خانم دکتر، با تشکر از فرصتی که در اختیار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی قرار دادید، بفرمایید اهم فعالیت‌ها و وظایف معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش چیست؟

به نام خدا، خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا از طریق این مجله با مخاطبان شما که همکاران ما هستند، گفت‌وگو کنیم.

این معاونت متولی امور ۸/۲۷۰/۰۰۰ دانش‌آموز ابتدایی است. حدود ۱ میلیون نوآموز پیش‌دبستانی و ۱۶۲ هزار دانش‌آموز عشایری زیر نظر دفتر توسعه‌ی عدالت آموزش و آموزش عشایر، تحت پوشش آن هستند. وظیفه‌ی اصلی این معاونت سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت بر برنامه‌های مصوب مربوط به دوره‌ی پیش‌دبستان، دبستان و عشایری است.

با توجه به تأکید سند تحول بنیادین بر اهمیت دوره‌ی ابتدایی و نگاه تخصصی به آن، بسترهای لازم برای اجرای برنامه‌های مصوب این دوره مهیا می‌شود.

● به‌عنوان معاون آموزش ابتدایی و استاد دانشگاه و



تشویق و ایجاد نشاط، و رفاقت و مشارکت در یادگیری، مدرسه به محیط رقابتی بی‌پایانی تبدیل شده که در آن هر فردی به دنبال برنده شدن است. برای همین این آزمون‌ها لغو شدند. اجتماع انسانی و اجتماعی، همدلی دارد و در آن همه باید برای کسب منافع بیشتر روحیه‌ی مشارکت داشته باشند.

● به ارزشیابی رسیدیم. از نقش و تأثیر ارزشیابی کیفی - توصیفی بفرمایید!

ارزشیابی کیفی - توصیفی تغییر رویکرد از یادگیری به ارزشیابی برای یادگیری و در خدمت یادگیری است. این شیوه از نظر ارتقای بهداشت روانی در دبستان‌ها تأثیر خوبی داشته است. نظرات مدیران، متخصصان موضوعی و آموزگاران در دبیرخانه‌ی ارزشیابی توصیفی هم جمع‌آوری شده است تا با اصلاح اشکالات احتمالی آن‌ها در شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه‌ی آن عرضه شود و به اجرا درآید.

● فعالیت‌ها و ایده‌های دیگری از جمله رفع انسداد مبادی بی‌سوادی در کودکان هم داشتید. در این باره توضیح دهید.

رفع انسداد مبادی بی‌سوادی در کودکان بازمانده از تحصیل در ادامه‌ی مجموعه برنامه‌های ماست. این هم تابع مسائل خود است که شما بهتر می‌دانید. از دیگر برنامه‌های ما، کاهش نرخ تکرار پایه و ارتقای کیفیت یادگیری است. در نتیجه، ما باید این پروژه‌ها و برنامه‌های پژوهشی را آسیب‌شناسی کنیم. یعنی با نگاه به گذشته، چالش‌ها و خلأها را شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام کنیم. مثلاً در برنامه‌ی درس پژوهی، با محوریت شهر تهران، با همه‌ی دستاوردهای آن، به این نتیجه رسیدیم که طرح از اهداف خود دور شده و به میدان رقابت آموزگاران تبدیل شده است. هدف اصلی ما توانمندسازی است که حاصل همان آسیب‌شناسی‌هاست. اصل مترقی در درس پژوهی، هم‌افزایی و هم‌فکری است که با بررسی مشکلات این طرح، در ادامه به مدرسه پژوهی و کلاس پژوهی رسیدیم.

● برنامه‌ی خشونت‌زدایی از مدرسه‌های ابتدایی چگونه طرحی است؟

برای ما ارتقای جو عاطفی - روانی دبستان‌ها مهم است. گزارش‌هایی داشتیم از اتفاقاتی که در دبستان‌ها رخ می‌داد که با فضای تعلیم و تربیت سازگار نبود.

از آنجا که مدرسه فقط فضایی فیزیکی نیست و باید جو تعاملی - اجتماعی و عاطفی - روانی داشته باشد، آسیب‌ها را بررسی کردیم. مثلاً به مواردی مانند قلدری در مدرسه رسیدیم که از نبود تنظیم روابط صحیح میان هم‌سالان ناشی می‌شد. این پدیده در همه جا وجود دارد. اما آنچه برای ما مهم‌تر بود، خشونت‌های غیرفیزیکی بود که ممکن است خود را در لباس خشونت کلامی، قلدری و

را به دست نمی‌آوریم. حتی نتایج آزمون‌های تیمز و پرلز هم نشان می‌دهد، در زمینه‌ی این گزینه‌ها کاهش امتیاز و کیفیت داشته‌ایم. در واقع در پرورش این مهارت‌ها کم‌کاری شده است.

ما در پی تقویت سواد خواندن هستیم. دانش‌آموزان ما باید خواندن کتاب را مهم بدانند و مطالب آن را بازگو کنند. یا در کاربرد چهار عمل اصلی مشکل داریم و دانش‌آموز فقط شکل ظاهری آن‌ها را در دفتر می‌نویسد، بی‌آنکه در زندگی واقعی کاربرد آن‌ها را بدانند.

در تکالیف مهارت‌محور، از طریق فرصت‌های یادگیری در خارج از مدرسه، به دنبال مهارت‌آفرینی هستیم. وقتی کودک خرید می‌کند، می‌تواند همان‌جا محاسباتی را انجام دهد. برای مثال، مدیریت مالی و منابع را یاد بگیرد.

اتاق بازی و یادگیری را بر اساس همین تفکر طراحی کرده‌ایم. البته بازی بستری برای یادگیری است و انتظار داریم کلاس‌های درس با این رویکرد اداره شوند. بچه‌ها بازی را دوست دارند. زمانی که کودک به دبستان می‌آید، نیاز نیست دیواری میان او و روحیاتش کشیده شود. نباید او را با بزرگ‌سال‌پنداری، در مجموعه‌ای از روش‌های سنتی یادگیری محصور کرد. یادگیری، شادابی و نشاط کودک، از طریق مقایسه‌ی آن‌ها در پیشرفت تحصیلی و نمره‌ای به دست نمی‌آید. دیدگاه اسلامی کودک را موجودی ارزشمند و صاحب کرامت می‌داند. پس هر اقدامی را که به کرامت ذاتی کودک آسیب می‌زند، باید از محیط آموزشگاه حذف کرد.

حذف آزمون‌های ورودی

● در باره‌ی حذف آزمون‌های ورودی هم صحبت کنید!
در ادامه‌ی فعالیت‌های این معاونت دیدیم که آزمون‌های ورودی برخی مدرسه‌ها عرصه را بر دانش‌آموزان تنگ کرده است. به جای

مشکلات عاطفی نشان دهد. نباید آثار این پدیده‌ها را نادیده گرفت. گاهی تحقیر یا سرزنش از آموزگار یا خانواده می‌تواند بیشتر از تنبیه بدنی بر روح و روان دانش‌آموز اثر بگذارد.

● شما نقش خانواده و محیط را در تعلیم و تربیت پررنگ می‌بینید؟

این نقش و سهم، خواهی نخواهی پررنگ است. زمانی که به این همکاری و اثرگذاری بها می‌دهیم، نتیجه‌ی خوبی می‌گیریم. در طرح ارتقای کیفیت عاطفی - روانی و اجتماعی مدرسه به دنبال این هستیم که خانواده را به عنوان شریک اصلی، در تغییرات مدرسه دخیل کنیم.

خانواده‌ها حمایتگران بسیار مؤثری هستند و ما خوشحال می‌شویم درباره‌ی برنامه‌های خودمان از جامعه بازخورد بگیریم.

● جایگاه آموزش مجازی، رسانه و فضای مجازی در دوره‌ی ابتدایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فضای مجازی و رسانه، هم نقش ایجابی و هم نقش سلبی دارند. به‌طور قطع مواجهه‌ی منطقی ایجاب می‌کند از فرصت‌های فضای مجازی برای تربیت استفاده کنیم. امروزه خانواده‌ها و مدرسه در تربیت رقیبی جدی به نام رسانه دارند. این رقیب همه جا حضور دارد و گاهی غیر قابل کنترل است. جذابیت خاص خود را دارد و حاوی پیام است. اگر پیام‌های آن هدف‌دار و در راستای اهداف ما باشد، می‌تواند تحقق‌پذیری هدف‌های نظام تعلیم و تربیت را افزایش دهد. به همین دلیل، معتقدیم آموزش رسانه‌ای باید در رأس امور آموزش و پرورش ما باشد. در این زمینه همکاری‌های خوبی با انجمن سواد رسانه‌ای داشته‌ایم تا بتوانیم این فعالیت را از دوره‌ی پیش‌دبستان وارد نظام تعلیم و تربیت کنیم. این هم یادمان باشد، هر چند فضای مجازی ابزار آموزشی خوبی است، اما تربیت در کلاس و خانواده رخ می‌دهد.

به عقیده‌ی من میزان ساعتی که دانش‌آموز با رسانه یا تلفن همراه سروکار دارد، باید توسط خانواده مدیریت شود. اگر کودکان عادت کنند زمان زیادی را در فضای مجازی سپری کنند، تغییر این عادت بسیار دشوار خواهد بود. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند در این زمینه و از دوره‌ی پیش‌دبستان این آموزش را به‌عنوان مهارت وارد برنامه‌های خود کند.

● آیا به آن‌جا خواهیم رسید که دانش‌آموزان ما از رفتن به مدرسه خوشحال باشند و آرزوی تعطیلی مدرسه را نکنند؟

همه‌ی برنامه و خواست ما این است که این اتفاق بیفتد. اینکه می‌بینید می‌خواهیم از بستر قصه، نمایش، بازی و ادبیات سراغ آموزش برویم و جریان یاددهی - یادگیری را تسهیل و آزمون‌های رقابتی را حذف کنیم همه براساس این نیت و براساس رعایت اقتضات کودکی مخاطب ماست.

در این مسیر شاداب سازی فضای فیزیکی مهم و مهم‌تر از آن

شاداب‌سازی فضای عاطفی - روانی مدرسه است. کودکان باید در مدرسه محترم شمرده شوند و از بودن در آن حس خوبی کسب کنند.

در این فضای تعاملی، یکی از عوامل تأثیرگذار، شادابی آموزگار است. اگر ما آموزگاران خود را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهیم و به نظرات آن‌ها احترام بگذاریم، اداره‌ی مدرسه هم به مدیریت مشارکتی تبدیل شود، آن‌گاه آموزگاری با نشاط خواهیم داشت که شاهد تغییر در نظام ارتباطی مدرسه از شیوه سلطه به هم‌اندیشی و هم‌فکری خواهد بود.

یکی دیگر از کارها در کم کردن استرس و شاداب ساختن مدرسه، کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس است. تراکم مطلوب در هر کلاس ابتدایی براساس مصوبه‌ی ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش عدد ۲۰ و حداکثر ۲۶ نفر است که امیدوارم به آن برسیم.

مدیون آموزگار

دانش‌آموز کلاس اول بودم. والدینم یک سال شناسنامه‌ها را بزرگ‌تر گرفته بودند. به همین دلیل زودتر به مدرسه رفتم. دل‌بند بازی بودم. تقریباً چند ماه اول را از کلاس خارج می‌شدم و در حیاط به بازی می‌گذراندم. اگر هم در کلاس بودم، حواسم به بازی و حیاط بود. به یادگیری توجهی نداشتم و پیشرفتی در تحصیلم دیده نمی‌شد. چنان شده بود که همه فکر می‌کردند دیرآموز هستم و امیدی به من نیست. اما خانم آقایی، آموزگارم در روستای ایبانه‌ی نطنز، دقیقاً کاری کرد که امروز به اقدام‌پژوهی معروف است و به یادگیری من منجر شد. او با خانواده‌ی من صحبت کرد و با هم برنامه‌ای تنظیم کردند تا شرایط من عوض شد. به هر بهانه و وسیله مرا وارد دنیای یاددهی - یادگیری می‌کرد. مدت‌ها بود بچه‌ها حروف را یاد گرفته بودند و من عقب بودم. اولین باری که توانستم املا را درست بنویسم، از چپ به راست بود. اما معلم من با تیزهوشی و حوصله یک ابتکار به خرج داد. زیر نوشته‌ی من، یک فلش از راست به چپ کشید و گفت: «عزیزم، از این به بعد از این طرف بنویس.»

هیچ‌گاه تصمیم درست خانم آقایی و تأثیر محبت او از یادم نمی‌رود. آن فلش مسیر زندگی مرا تغییر داد. در پی این اتفاق، تمام راه مدرسه تا خانه را دویدم تا بگویم که املا را درست نوشته‌ام. تشویق اثر فوق‌العاده‌ای دارد. از هیچ دانش‌آموزی ناامید نشوید. «من معاون وزیر بودم را مدیون آموزگار خود هستم.»